

بسم الله الرحمن الرحيم!

اجاره تجهیزات و حکم مزرعه

(ترجمه)

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

در صفحه 139 کتاب نظام اقتصادی آمده است که: «برای صاحب زمین جایز نیست تا زمین اش را اجاره دهد، برابر است که مالک زمین و سود آن باشد، یا تنها مالک منفعت آن باشد...» و در صفحه 140 همین کتاب آمده است که: «و اما اجاره پیامبر صلی الله علیه وسلم در زمین خیبر به نصف، از این باب نمی باشد؛ زیرا سرزمین خیبر درخت بود؛ نه یک زمین خالص و هموار...»؛ پس حکم اجاره زمین برای کشت واضح می باشد و مناط حکم این است که (زمین باید خاص برای زراعت باشد) و اما مناط حکم در رابطه به زمین خیبر متفاوت می باشد؛ چون در آن زمین ها تنها درخت بود و درختان به صاحب آن تعلق می گیرد. هم چنان درخت متفاوت از زمین می باشد و حتی اگر زمینی در آن جا وجود داشته باشد، متعلق به درختان است.

اما نزد ما «سانیه» عبارت از زمینی است که دارای امکانات آبیاری؛ مانند: چاه یا ذخیره آب یا کانال های آبرسانی به مزرعه (مانند کانال های آبیاری به صورت قطره) که ممکن است در آن خانه و اسطبل با تهویه هوا، دستگاه های دارویی و غیره تجهیزات کشاورزی که متعلق به زمین است و دهاقین بدان نیاز دارند، در آن وجود داشته باشد، دولت آن را برای دهاقین فراهم می سازد.

پرسش

1- آیا می توان گفت که مناط حکم در مورد زمینی که از طریق چاه آبیاری شده و دارای امکاناتی زراعتی بوده و زمین خشک نباشد، تغییر می یابد؟

2- اگر زمین برای کشت و غله جات نباشد؛ بلکه محصولات؛ مانند: گیاهان زینتی، نهالستان ها یا دام پروری تعیین شده باشد، آیا مناط حکم تغییر خواهد کرد؟

3- آیا در این موارد اجاره زمین جایز خواهد بود؟

پاسخ

1- معنای ملساء (بدون کشت) این است که زمینی برای کشت غله جات اختصاص یافته؛ اما کشت نگردد؛ پس اجاره این چنین زمین برای کشت حرام می باشد و دلایل آن قرار ذیل است:

از رافع بن خدیج روایت است که گفت:

«كُنَّا نَخَابِرُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَذَكَرَ أَنَّ بَعْضَ عُمُومَتِهِ أَنَّهُ فَقَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ أَمْرِ كَانَ لَنَا نَافِعًا، وَطَوَاعِيَّةٌ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْفَعُ لَنَا وَأَنْفَعُ. قَالَ: قُلْنَا: وَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ كَانَتْ لَهُ أَرْضٌ فَلْيَبْرِزْهَا أَوْ لِيَبْرِزْهَا أَحَاهُ، وَلَا يُكَارِبْهَا بِثُلْثٍ وَلَا بِرُبْعٍ وَلَا بِطَعَامٍ مُسَمًّى»

ترجمه: [ما در زمان رسول الله -صلی الله علیه وسلم- کشت می کردیم، (دیدیم که) به یاد آورد که بعضی از کاکاهایش نزد وی آمده گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم از چیزی که برای ما سودمند بود، منع کرده است و اما اطاعت رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ما سودمندتر است. گفت: گفتیم: و آن چه است؟ گفت: رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمود: "کسی اگر زمینی دارد؛ پس آن را کشت نماید یا (اجازه دهد تا) برادرش آن را کشت کند؛ ولی او آن را نه به ثلث (یک سوم) و نه ربع (یک چهارم) و نه هم به بخشی از غذا/ اجازه ندهد." (این حدیث را ابو داود روایت کرده است)

2- ولی اگر زمین ملساء (بدون کشت) نبود؛ یعنی با درختانی که نیاز به مراقبت داشتند، کاشته شده بود، در این حالت اجازه آن به نام مساقاة (آبیاری کردن) یاد می شود؛ حتی اگر بین درختانی که کشت می شوند، مساحت کمی هم برای کشت وجود داشته باشد، جایز است. زیرا در این حالت آن مساحت اندک به درختان متعلق می باشد؛ پس مراقبت از درخت امر اساسی محسوب می گردد و از دلایل جواز مساقاة موارد زیر می باشد:

بخاری از نافع روایت می کند که عبد الله بن عمر -رضی الله عنهما برای خبر چنین خبر داده است:

«أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَامِلٌ خَيْبَرَ بِشَطْرِ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا مِنْ تَمْرٍ أَوْ زَرْعٍ، فَكَانَ يُعْطِي أَزْوَاجَهُ مِائَةَ وَسْقٍ تَمَانُونَ وَسَقٍ تَمْرٍ وَعِشْرُونَ وَسَقٍ شَعِيرٍ...»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم خیبر را در برابر نصف محصولات آن، به صورت مزارعه، در اختیار کشاورزان قرار داد. سپس، صد وسق (شصت پیمان) از محصولات را به همسرانش می داد، که هشتاد وسق خرما و بیست وسق جو بود.

زمین خیبر درخت زار بود و در میان درختان مساحت وجود داشت که کشت می شد و جواز این امر از حدیث فوق فهمیده می شود. بناء درختان غالباًند و رسول الله صلی الله علیه وسلم با هزینه شخصی با آنها معامله کرد؛ یعنی به آنها اجازه اجاره را داد؛ زیرا در آن زمینها درختان کاشته شده بود که مساقاة (آبیاری) یا مراقبت از درختان گفته می شود.

3- ولی اگر زمینی که مختص برای کشاورزی باشد و چیزی که نزد شما معنای «سانیه» را می دهد و ما آن را به گونه تفصیلی بیان داشتیم، موجود باشد؛ یعنی (زمینی که در آن تجهیزاتی آبیاری؛ مانند: چاه یا کانالهای آبرسانی و بعضی از ساختمانهای؛ چون: خانه و اصطبل باشد و باقی زمین غیرمزروع باشد)، اجازه دادن آن برای کشاورزی جایز نبوده و کانال و ساختمان در آن تاثیری ندارد؛ چون این زمین تا زمانی که غیر مزروع باشد ملساء (صاف) محسوب می گردد.

به نظر آن چه شما را در اشتباه انداخته است، معنای کلمه «ملساء» است و شما فکر کرده اید که ملساء زمینی را می گویند که در آن تجهیزات و سهولت های کشت مندی وجود نداشته باشد... و در پهلوی آن برداشت کرده اید که زمین ملساء؛ به معنای زمین

غیرقابل کشت باشد. باید واضح باشد، زمینی که کشت نشده باشد؛ باوجودی که در آن ساختمانی هم وجود داشته باشد و به هدف کشت و زراعت اجازه گردد، در واقعیت ملساء داخل می‌گردد.

4. اما اجاره کردن زمینی که برای محصولات غیرکشاورزی باشد، جایز بوده و اشکالی نداشته و آن چه در اجاره زمین حرام است مزارعه می‌باشد. اگر اجاره برای ساخت و ساز گروهی کار فن‌آوری باشد، یا زمین جهت ساختن ایستگاه موتورها، یا نمایشگاه فروشات، یا تربیه و نگهداری چهارپایان باشد، باکی نداشته و جایز می‌باشد؛ چون این موارد مزارعه نمی‌باشد. ممکن است، اجازه زمین جهت فرآورده‌های نباتات زینتی یا گل‌خانه باشد، به شرطی که این گیاهان در زمین اجاره شده کشت نشده؛ بلکه در ظروف شیشه‌ای و به ویژه در حوض‌ها کشت گردد. واضح است که برای گل‌خانه‌ها و کشت‌زار نباتات زینتی؛ مانند: گل سرخ، جایی را در قسمتی از زمین برای حوض‌های کشاورزی قرار داده و نباتات را در آن حوض‌ها کشت می‌نمایند، نه در خود زمین، در این صورت اجاره کردن زمین حرام نمی‌باشد؛ چون این مزارعه نبوده و دلایل حرمت مزارعه با آن منطبق نمی‌باشد؛ بلکه شامل دلایل جواز اجاره می‌گردد.

برادران عطاء بن خلیل ابوالرشته

4 ذوالحجه 1443 هـ.ق.

28 سپتامبر 2014 م.

مترجم: عمر موحد